مطبوعه هفتگی
موج بیداری
یکشنبه ۳۱ تیر ۱۴۰۳ – ۲۱ جولای ۲۰۲۴ – ۱۵ محرم ۱۴۴۶ – سال بیست و یکم – ۴ صفحه – نمره ۴۳۳ – ۵۰۰۰ تومان

پای کمیت‌مان لنگ است

بسیاری از ماها بدیهیات و ضروریات پژوهش تاریخی را بلد نیستیم

گفتگو با رامین سلطانی، نویسنده و تاریخ‌پژوه

سرچشمه(۲)

خانه‌ی مطبوعات در تصرف ارشاد

هفت حوض(۳)

عکس: حامد رحمتی

آب

امام جمعه زنجان:
بعد از انتخابات همه باید در مسیر پیشرفت کشور قرار گیریم

مشروطه-امام جمعه زنجان گفت: امروز که انتخابات به پایان رسیده، همه باید در مسیر پیشرفت کشور قرار گیریم.

به گزارش مهر، آیت‌الله علی خاتمی در خطبه‌های این هفته نماز جمعه زنجان با تاکید بر اینکه امروز و بعد از پایان انتخابات ریاست جمهوری که با مشارکت حداکثری مردم به ویژه در دور دوم برگزار شد، همه باید در مسیر پیشرفت کشور قرار گیریم، افزود: این بدان معنی است که امروز یکی از وظایف همه ما کمک به دولت جدید بوده و این موضوع مهم را باید به عنوان یک وظیفه برای خود قلمداد کنیم.

وی با بیان اینکه همه ما با هر تفکر و عقیده‌ای در کشور، دشمن واحدی داشته و باید در برابر این دشمن واحد، اتحاد داشته و به یکدیگر کمک کنیم، اظهار کرد: بی‌تردید تاریخ گواه این مدعا است که ایران اسلامی از دیرباز تا به امروز مورد هجمه دشمنان بوده و این هجمه تا به امروز نیز ادامه داشته است اما آنچه که دشمنان را در رسیدن به اهداف شوم خود ناکام گذاشته، اتحاد و وحدت بین آحاد مختلف جامعه اسلامی بوده است.

خطیب نماز جمعه زنجان با یادآوری اینکه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در دو مرحله و مشارکت بیش از نیمی از واجدان شرایط در این صحنه سیاسی حاکی از قوام و دوام نظام مقدس جمهوری اسلامی به دست مردم بود، تصریح کرد: بی‌تردید نباید کسانی را که فرصت شرکت در این عرصه را نداشتند، جزو دشمنان نظام قلمداد کنیم، بلکه طبق تأکیدات رهبر فرزانه انقلاب باید به دنبال رفع مشکلات و حضور این افراد در انتخابات بعدی باشیم.

وی با اشاره به اینکه سرنوشت همه ما در کشور همانند مسافران یک کشتی به هم گره خورده و برای رسیدن به سرمنزل مقصود باید به هدایت‌های مقام معظم رهبری توجه داشته و مسؤولان این موضوع را اولویت کاری خود قرار دهند، خاطرنشان کرد: آنچه که امروز بیش از همه حائز اهمیت بوده و می‌تواند این کشتی را به سرمنزل مقصود برساند، صیانت از دستاوردها و ارزش‌های انقلاب اسلامی است، لذا همه ما باید برای تحقق این مهم در کنار هم باشیم.

آیت‌الله خاتمی با تاکید بر اینکه ناامید کردن یکدیگر در شرایط کنونی یکی از مهم‌ترین آفت‌ها برای توسعه و پیشرفت کشور به شمار می‌رود، عنوان کرد: امروز که انتخابات ریاست جمهوری به پایان رسیده، همه ما باید در کنار یکدیگر قرار گرفته و تلاش و همکاری برای آبادانی ایران اسلامی را جزو اولویت خود قرار دهیم، به همین خاطر انتظار داریم هواداران کاندیداها رفتار معقولانه و خداپسندانه‌ای داشته باشند.

وی در ادامه ضمن تسلیت به مناسبت ایام سوگواری سید و سالار شهیدان، تبیین قیام عاشورا را جزو اولویت‌های جامعه اسلامی قلمداد کرد و گفت: امروز وظیفه همه ما تبیین قیام عاشورا به ویژه به نسل جوان است.

* * *

ضبط لاستیک قاچاق در زنجان

سرچشمه-مدیرکل تعزیرات حکومتی زنجان از جریمه هفت میلیارد ریالی برای ثبت نکردن ۸۰ حلقه لاستیک خودرو در سامانه جامع انبارها خبر داد.

به گزارش همدلی؛ رضا مظفری با بیان این مطلب، اظهار کرد: پرونده نگهداری ۸۰ حلقه لاستیک خارجی خودرو خارج از ضوابط تعیینی دولت به ارزش هفت میلیارد و ۴۰۰ میلیون ریال در شعبه پنجم بدوی تعزیرات حکومتی زنجان رسیدگی شد. مدیرکل تعزیرات حکومتی زنجان افزود: شعبه پس از بررسی و محتویات پرونده با توجه به ثبت نکردن اطلاعات مکان نگهداری لاستیک‌ها در سامانه، تخلف را محرز و علاوه بر ضبط لاستیک‌های کشف شده، متخلف را به پرداخت هفت میلیارد و ۴۰۰ میلیون ریال جزای نقدی معادل ارزش کالاهای کشف شده محکوم کرد.

مظفری گفت: مأموران پلیس امنیت اقتصادی در بازرسی از یک انبار نگهداری کالا، لاستیک‌ها را کشف و پرونده این تخلف را برای رسیدگی به تعزیرات حکومتی ارسال کردند.

* * *

رییس هیئت داوران بخش فیلم آفرین‌واره بین‌المللی «راوی عشق»:
آفرین‌واره، فرصتی برای کشف استعدادها و فیلم‌سازها

سرچشمه-رئیس هیئت داوران بخش فیلم آفرین‌واره بین‌المللی فیلم و عکس راوی عشق گفت: آفرین‌واره «راوی عشق» فرصتی برای کشف استعدادها و فیلم‌سازها در حوزه آئین‌های مذهبی است.

به گزارش مهر، عبدالرضا صادقی جهانی، ظهر پنجشنبه در جمع خبرنگاران در مورد مزایای برگزاری جشنواره‌ها و آفرین‌واره‌های هنری گفت: این آفرینواره، آغاز سرمایه گذاری در حوزه آئین‌ها و مناسک مذهبی است تا با تقویت فیلم‌سازها در آینده و در دوره‌های بعدی گوشه‌ای از عظمت این عزاداری‌ها را به تصویر بکشند.

وی ادامه داد: فیلم‌سازهایی که امسال به این آفرینواره می‌آیند تازه این رویدادها را تجربه می‌کنند که در سال‌های بعد به بار خواهد نشست و جواب خواهد داد و این آفرین‌واره یک سرمایه گذاری برای سال آینده و سال‌های آینده است.

سرچشمه

پای کمیت‌مان لنگ است

بسیاری از ماها بدیهیات و ضروریات پژوهش تاریخی را بلد نیستیم

گفتگو با رامین سلطانی، نویسنده و تاریخ‌پژوه (بخش اول)

حسین نجاری: تاریخ، داستان بلند و ناپیداکرانه‌ای است که از اعماق روزگارانی دور و گم و گور، شروع شده و تا نیامده‌های ناشناخته پیش خواهد رفت. ما در تاریخ در پی ردپایی از انسان‌ایم. در پی کشف وقایع موثر و مرصوصی که او رقم زده و سنگی روی سنگ تاریخ گذاشته و برجی از تواریخ برافرشته است.

این آسمان خراش همچنان ارتفاع می‌یابد و آفاق را می‌پیماید. بنابراین تاریخ جهان، متنی است که ما آن را بی‌وقفه می‌خوانیم و می‌نویسیم اما نکته‌ی هراس‌آور این است که ما را نیز در آن می‌نویسند. اگر چه که تاریخ وسیع‌تر از مسئله‌ی بشریت و زمان و زندگی انسان است و هر موجود و پدیده‌ی مهمی را در بر می‌گیرد ولی تنها نویسنده‌ی آن انسان است و مورخ، شاعر گذشته‌نگری است که وقایع پیشین و به وقوع پیوسته را می‌نویسد. به هر صورت تواریخ جهان صحنه‌ی دستیابی به گذشته‌ای است که رخ داده و در آن دوردست‌ها مانده است. اگر چه تاریخ مربوط به گذشته است ولی تاثیر آن در حال و آینده‌ی جهان امر آشکاری است. در این میان تاریخ برخی جوامع و مناطق آن‌گونه که باید ثبت‌نگردیده و متاع چندانی برای عرضه به مخاطبان مشتاق خود ندارد. تاریخ شهر و دیار ما نیز از چنین عارضه‌ای رنج می‌برد و اگر چه هر از گاهی اراده‌هایی برای کشف و تبیین و توضیح آن به جویندگان معرفت تاریخی ظهور کرده و اعماق آن را کاویده و کالای درخوری را استخراج کرده و عرضه نموده‌اند ولی هنوز رازهای زیادی سر به مهر مانده و آن‌سوی تاریخ خاک می‌خورند. یکی از تاریخ‌پژوهان شهر ما دکتر رامین سلطانی است که کنجکاوانه دفتر و دیوان گذشته را می‌کاود و به تاریکخانه‌های تاریخ نور می‌تاباند. او با کند و کاوی روشن و روشمند قوام می‌یابد و در طی ۲۰ سال گذشته کارهای درخوری را در حیطه‌ی تاریخ شهر خود انجام داده و کتاب‌هایی را تالیف و تدوین نموده که خاک را از چهره‌ی دیروز شهر تکانده و سیمای آن را در آینه‌ی خویش نمایانده است. رامین سلطانی در کنار کار تاریخی سیری در شعر و شاعری داشته و عمری را در عرصه‌ی روزنامه‌نگاری گذرانده است. رامین اگر چه امروز ساکن کلان‌شهر کرج است ولی هنوز تمام نگاهی به تاریخ زنجان دارد و مهربانانه به سونوگرافی آن می‌پردازد. سلطانی این روزها در کنار تاریخ نگاری، بخت خود را در عرصه‌ی رمان‌نویسی نیز می‌آزماید. او شخصیت‌هایش را در صحنه‌ی تاریخ و داستان جابه‌جا می‌کند تا از دلِ دیروز گردی‌هایش، توشه‌ای برای آینده بیاندوزد. با او پیرامون تاریخ این شهر و دیار گفتگو کرده و خوشه‌ی انتشارش را به دستان گرم شما می‌سپاریم:

لطفا از سوابق کاری خود در حوزه‌ی تاریخ زنجان برای ما بگویید. از چه زمانی شروع کردید و تا به امروز چه کارهایی انجام داده‌اید؟

تحصیلات آکادمیک من در دو حوزه‌ی علوم انسانی و علوم کشاورزی بوده. در حوزه‌ی علوم انسانی دانش‌آموخته‌ی مقطع کارشناسی ارشد رشته‌ی تاریخ و تمدن ملل اسلامی از دانشگاه تهران هستم و در حوزه‌ی ارتباطات و روزنامه‌نگاری هم دوره‌ی دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه را گذرانده و شاگردی اساتید بزرگی را کرده‌ام. اما توجه و علاقه‌ی من به حوزه‌ی تاریخ محلی در همان دوره‌ی تحصیل در دانشگاه تهران جلب شد. جا دارد یادی کنم از استاد بزرگ دکتر عالم‌زاده بزرگ که خداوند سایه‌شان را بر سر دانشجویان و علاقمندان حوزه‌ی تاریخ خصوصاً کسانی که به مباحث ماخذشناسی علاقه دارند مستدام دارد.

تاریخ اجتماعی اصولاً از حوزه و گرایش تاریخ محلی شروع می‌شود. تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، رجال، طبقات همه و همه در واقع جزئی از تاریخ محلی هستند. اگر دقت کنیم تواریخ بزرگ و تاثیرگذاری چه در این حوزه تالیف و گردآوری شده‌اند از بدو آغاز مبحث تاریخ‌نگاری در حوزه‌ی تمدنی زبان‌های فارسی و عربی، مثل تاریخ نیشابور، تاریخ بیهق، تاریخ قم، تاریخ مکه، تاریخ بخارا، تاریخ مزارات شیراز و الی آخر، در تمام این دست آثار، نویسنده با دستمایه قرار دادن یک شهر به عنوان نقطه‌ی گرانیگاه اثر خود به تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، جغرافیای تاریخی، رجال و سایر حوزه‌های تخصصی تاریخ می‌پردازد و از این رهگذر اطلاعات و دانسته‌های فراوانی در اختیار خواننده امروزی قرار می‌دهد. شما حساب کنید اثر گرانقدری همچون کتاب مستطاب معجم‌البلدان تالیف یاقوت حموی هم در واقع اقیانوسی از دانسته‌های تاریخ محلی است طرفه آن‌که گزیده‌هایی از برخی کتاب‌هایی که در طول زمان از بین رفته‌اند در این کتاب نقل شده است.

استاد فقید دکتر حسین قره‌چانلو در درس جغرافیای تاریخی سرزمین‌های اسلامی روش خاصی در تدریس داشت. اولاً دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی برای تشکیل کلاس باید در اتاق کار ایشان حضور پیدا می‌کردند نه در کلاس به مفهوم اخص کلمه. دوم اینکه در هر جلسه به هر یک از دانشجویان یک موضوع جغرافیای تاریخی اختصاص می‌دادند و ما دانشجویان کم‌سواد باید تمام وقت در کتابخانه‌ی غنی دانشکده در میان کتب و آثار به زبان‌های فارسی و عربی و ترکی و انگلیسی هر آنچه در خصوص مدخل مورد نظر در منابع آمده بود را به نوعی استقصا می‌کردیم و در جلسه‌ی بعد ارائه می‌نمودیم و این روال در کل طول ترم و حتی ترم بعدی ادامه داشت. این روش موجب گردید هر یک از ما با اقیانوس وسیع آثار و منابع موجود در کتابخانه آشنا شویم. یاد استاد فقید دکتر نورالله کسایی بخیر باد که با چه شور و شوقی از کتاب تاریخ اصبهان ابن‌ابی‌اصیبعه صحبت می‌کرد و نکات و دقایق مستور در این اثر را باز می‌نمود.

> **سهم تاریخ نگاری هر محلی وابستگی تمام به نقش محل یا مکان مورد نظر در گستره‌ی تاریخ و تمدن دارد. آیا سهم شهری مثل نیشابور و تبریز یا قزوین و شیراز یا استرآباد و بیهق در طول تاریخ در تمامی ابعاد با سهم شهرهایی مثل اراک، مشهد، سنندج، تهران یا همین زنجان خودمان یکی است؟ معلوم است که نه.**

شوربختانه درمیان هیچ یک از آثاری که مطالعه و تفحص می‌کردیم نشانی از کتب پارساله‌ای در مورد شهر مسقط‌الراس من وجود نداشت و جستجوی هر چه بیشتر در این زمینه به کمترین نتایج منجر شد. آنچه مهم بود برای من به‌عنوان دانشجوی علاقمند این رشته، چرایی این ماجرا بود. مگر نه اینکه شهر و منطقه‌ی من از لحاظ جغرافیایی در نقطه‌ی کانونی حوزه‌ی تمدنی ایران قرار داشت و در حکم چهار راهی بود که بسیاری حوادث به چشم دیده و در گذر روزگار پیر شده بود؟ مگر نه اینکه این منطقه از لحاظ تاریخ اقتصادی و تولید جایگاهی قابل توجه داشته در طول تاریخ؟ مگر نه اینکه دیر زمانی مرکز فرمانروایی یک سلسله‌ی بزرگ از سلاطین ایلخانی بوده؟ پرسش‌هایی از این دست که لاجرم به پاسخی نمی‌رسید این ذوق و شوق را در من برانگیخت که به صورت جدی‌تر به تاریخ و گذشته‌ی سرزمین زنجان علاقمند شوم و در طول تحصیل و پس از آن هر آنچه مواد در خصوص منطقه‌ی زنجان و خمسه در میان آثار و مآخذ ملاحظه کردم، اعم از متون تاریخ سیاسی، اجتماعی، جغرافیای تاریخی، سیاحت نامه‌ها، سفرنامه‌ها و غیره یادداشت‌برداری شد. حجم این یادداشت‌ها به حد قابل توجهی که رسید کم کم شروع به نگارش مقالات دانشجویی کم حجم نمودم که اول بار در دوهفته‌نامه‌ی شهاب زنجان به چاپ رسیدند در نیمه دوم دهه‌ی هفتاد.

> **از جمله مهم‌ترین ضرورت‌های تاریخ‌نگاری محلی وجود بنیادهای تاریخ نگاری است که هم امروزه در بسیاری از نقاط کشور فعال هستند و می‌توان نتایج کارها و تحقیقات‌شان را به صورت عینی و ملموس مشاهده کرد و استفاده برد. نیاز به کار دایره‌المعارفی هست در تدوین دانشنامه‌ای علمی برای استان زنجان. کار سختی هم نیست**

در طی چند سال بعد مجموعه‌ی این یادداشت‌ها و مقالات و بهره‌گیری از نظرات دوستان و اساتید بزرگی همچون استاد فقید یوسف محسن اردبیلی که نسبت به این دانشجوی علاقمند لطف بی‌کران داشتند منجر به تدوین و تالیف یک کتاب دانشجویی شد تحت عنوان بزرگ تاریخ زنجان که در سال ۱۳۷۹ به چاپ رسید. دانش اندک موجب جسارت می‌شود، بر همین اساس نام آن جزوه‌ی دانشجویی را کتاب تاریخ زنجان گذاشتم. طی دهه‌ی بعدی و با مطالعه‌ی بیشتر و در دسترس قرار گرفتن آثار دیگر ولی باز بر مبنای گفتمان نظری همان جزوه‌ی دانشجویی کتاب جستارهایی در تاریخ زنجان تالیف و تدوین شد که در سال ۱۳۸۹ به چاپ رسید. ویژگی این دو اثر این است که تاریخ و تمدن شهر و منطقه‌ی زنجان را تا حدود اوایل سال ۱۳۰۰ شمسی مورد بررسی قرار داده ولی باز در همان مقطع از داستان عظیم انقلاب مشروطه در زنجان هم با اشاراتی عبور کرده و چندان وارد جزئیات نشده است. علاوه بر این دو اثر کارهای دیگری هم کرده‌ام که یکی ماخذشناسی و کتاب‌شناسی زنجان است که موفق به پیدا کردن ناشر نشدم برایش، به همین دلیل در فضای مجازی به صورت رایگان منتشر شد و دیگری تاریخ تحلیلی مطبوعات استان زنجان در دو دفتر که بخش عمده‌ی آن تدوین نهایی شده، همتی می‌خواهد و فرصتی که به صورت کامل چاپ و منتشر شود. صحبت طولانی شد، عذر مرا بپذیرید.

به نظر شما چشم‌انداز وضعیت حوزه‌ی تاریخ نگاری زنجان از آغاز دهه‌ی ۱۴۰۰ چگونه است؟

به نظرم تلاش‌های خوبی در این حوزه انجام شده و کارهای قابل توجه و متنوعی هم چاپ و منتشر شده‌اند. مسئله این است که کار باید در دو حوزه‌ی مختلف و خب در رشته‌ها و گرایش‌های متنوع و گسترده انجام شود. اول حوزه‌ی تاریخ توصیفی، متون کهن یا متاخر که اگر وجود داشته باشند باید شناسایی و تصحیح و چاپ شوند که خب در این زمینه امیدواری چندانی وجود ندارد مگر اینکه آثاری از پستوی مخفی تاریخ بیرون بیایند. به گمانم حتی کشف یک اثر در حوزه‌ی تاریخ زنجان مثلاً مربوط به دوران پیش از صفویه به خصوص عصر ایلخانی و تیموری و منتهی به صفویه بسیار کارگشا خواهد بود. دوم حوزه‌ی تاریخ تحلیلی که بستگی به هنر و توان مورخین و نویسندگان دارد. مشکل کار این است که باید انبوهی از مواد پراکنده در میان آثار و کتب جمع‌آوری و تدوین شوند. در حوزه‌ی تاریخ معاصر کار مشکل‌تر است چون کثیری از اسناد و مدارک وجود دارند که به صورت عمده از دسترس عموم و به خصوص نویسندگان و مورخان دور هستند. اگر جایی می‌بود، نهادی، موسسه‌ی قابل اعتمادی که انبوه اسناد و دست نوشته‌ها آنجا به صورت متمرکز نگهداری و در دسترس مورخین قرار می‌گرفتند، کار بسیار راحت‌تر بود که خب الان نیست و گمان هم نمی‌کنم تا مدت‌های مدید چنین امکانی فراهم باشد. خانواده‌ها به سختی حاضر می‌شوند نویسنده‌ها و مورخین را بپذیرند و داشته‌هایشان را در اختیار آنان قرار دهند. به نظرم این هم چندان غیرطبیعی نیست. مثلاً از عصر مشروطه به بعد و حتی پیش از آن مواد زیادی در میان روزنامه‌ها و جراید عصر خوابیده‌اند که باید جمع‌آوری شوند. البته که باید در استناد به مواد مندرج در روزنامه‌ها و جراید بسیار با احتیاط عمل کرد چون صرف اینکه مطلبی در فلان جریده‌ی عصر مشروطه یا بعد از آن به چاپ رسیده دلیل بر صحت آن نیست و باید اعتبارسنجی شود. با این همه به گمانم آثار خوب و قابلی در حد همین بضاعت فعلی اسناد و مدارک و مآخذ چاپ و منتشر شده است.

جناب سلطانی، مشکلات پیش رو در تدوین تاریخ زنجان را چگونه تبیین می‌کنید؟

به برخی از مشکلاتی که به ذهنم می‌رسید اشاره کردم. مشکل اساسی‌تر این است که هر کس در این وادی تلاش می‌کند در واقع به صورت انفرادی است و با اتکا به داشته‌های مادی و معنوی خود، داشته‌های معنوی مثل کتاب و منابع و اسناد و مآخذ و عکس و غیره. بالطبع اگر نهادی بوده باشد که به صورت رسمی اکثریت قابل توجه مواد موجود و داشته‌ها در آنجا جمع شوند استفاده و دسترسی به آن‌ها راحت‌تر خواهد بود. دقت بفرمایید از دیرباز موزه‌ها از جمله مهم‌ترین نهادهایی به شمار می‌روند که آیینه تمام‌نمای فرهنگ و تمدن هستند. نمایشگاه‌های دوره‌ای و ورکشاپ‌هایی که در موزه‌های مختلف برگزار می‌شوند، محملی هستند برای تبادل نظر مورخین و نویسندگان و جویندگان علم. شخصاً آثاری را در برخی موزه‌های استان‌های همجوار دیده‌ام که محل کشف‌شان زنجان بوده ولی خب دیگر. ولی خوب دیگر درم‌داران عالم را کرم نیست/ کرم‌داران عالم را درم نیست.

ضمن اینکه ما به صورت پایه‌ای روحیه همکاری نداریم، بلد نیستیم کار جمعی کنیم. همه خود را به نوعی علامه می‌دانیم. مگر چنین چیزی ممکن است؟ مگر می‌شود یک نفر هم عالم معماری باشد هم جغرافیای تاریخی هم زبانشناسی هم تاریخ اقتصادی و الی آخر. پای ادعا که در میان باشد همه مدعی هستیم. نتایج کار ولی نشان می‌دهد که ماجرا، ماجرای آواز دهل شنیدن است از دور. ببخشید ولی خیلی از کسانی که دست به قلم می‌برند و احیاناً تاریخ می‌نگارند از نوشتن چهار خط نثر فارسی سره که حداقل ارکان جمله درست و رسا باشد، عاجز هستند. بسیاری از ماها بدیهیات و ضروریات پژوهش تاریخی را بلد نیستیم. آثار و منابع و مآخذ را نمی‌شناسیم یا حداقل از اعتبارسنجی آثار عاجزیم، به همین دلیل در خیلی از موارد پای کمیت‌مان لنگ است. برای پژوهش در حوزه‌های تاریخ و تمدن ایران شخص باید توانایی و سواد استفاده از منابع به زبان‌های عربی و فارسی و ترکی و انگلیسی را داشته باشد. مگر کسی می‌تواند مدعی باشد در عرصه‌ی تاریخ نویسی؟ به جرات می‌توانم بگویم هر کسی که مدعی نگارش تاریخ صحیح و کامل و دقیق باشد یا بی‌سواد است یا شیاد و یا هر دو.

اصولاً سهمیه‌ی تاریخ‌نگاری زنجان در تاریخ نگاری محلی کشور به چه میزانی است و دلایل آن چیست؟

پرسش خوب در عین حال بسیار سختی است. سهم تاریخ نگاری هر محلی وابستگی تمام به نقش محل یا مکان مورد نظر در گستره‌ی تاریخ و تمدن دارد. آیا سهم شهری مثل نیشابور و تبریز یا قزوین و شیراز یا استرآباد و بیهق در طول تاریخ در تمامی ابعاد با سهم شهرهایی مثل اراک، مشهد، سنندج، تهران یا همین زنجان خودمان یکی است؟ معلوم است که نه. شاید این سخن نوعی دعوت به چالش باشد که شخصاً از آن استقبال می‌کنم ولی باید به واقعیات را قبول کرد و با داشته‌ها کنار آمد. به عنوان مثال در عرصه‌ی تاریخ مطبوعات آیا می‌توان شهر رشت یا تبریز را با زنجان مقایسه کرد؟ نخستین نشریات در شهر رشت در چه زمانی آغاز به کار کرده و در شهر زنجان در چه تاریخی و در چه سالی؟ نهادهای تمدنی در هر یک از شهرهای کشور آیا قدمت و کارکردی یکسان و مشابه دارند؟ ندارند. با این همه حداقل در دهه ۸۰ و ۹۰ به نظرم در شهر زنجان و استان زنجان کارهای قابل توجهی چاپ و نشر شده‌اند که تقریباً همگی به صورت انفرادی و شخصی بوده‌اند و این رویه به نظرم راه به جایی نخواهد برد. در تحلیل و جمع‌بندی نهایی در مقایسه با کارهای جمعی که در سایر استان‌ها و شهرها شده و می‌شود. مثال بارزی که می‌توانم بزنم و اتفاقاً از نزدیک شاهد روند کارهایش بودم، کارهایی است که در استان گلستان و دانشنامه‌ی گلستان انجام شده و می‌شود از حدود ۳۰ سال پیش. هم فصلنامه منتشر کردند و می‌کنند، هم کار دانشنامه‌ای علمی کرده‌اند، هم کتاب تصحیح می‌کنند، هم مقاله می‌نویسند، هم همایش برگزار می‌کنند، سخنرانی ترتیب می‌دهند، بزرگداشت می‌گیرند و الی آخر. طبیعی است ما خیلی کار داریم تا به بسیاری از شهرها و استان‌ها برسیم در عرصه‌ی تاریخ‌نگاری محلی. لازم است بگویم بنیاد نیشابور را فراموش نکنید. ذکر یک خاطره شاید بد نباشد. سال‌ها پیش در ایام جوانی، چنانکه افتد و دانی، طرحی نوشته بودم در باب تاسیس موسسه‌ای فرهنگی برای تدوین دانشنامه‌ی زنجان و بردم خدمت یکی از بزرگان و نام‌آوران شهر که اگر شد کمک کنند که این انجمن و این بنیاد پا بگیرد. مدیر دفتر بزرگوار ایشان فرمودند عزیزان و علمایی هستند که مشغول تدوین تاریخ زنجان هستند و نیازی به این کارها نیست. مقصود کارهایی که آدم‌هایی مثل من انجام می‌دهند. خوب البته حدود ۲۰ سال از آن ماجرا می‌گذرد و من هنوز منتظرم که نتایج تحقیقات و تالیفات عزیزان و بزرگواران را مشاهده کنم.

البته اوضاع آنچنان هم بد نیست. مثلاً همین انجمن دوستداران تاریخ و فرهنگ زنجان در طول چند سال گذشته کارهای بسیار بسیار قابل توجهی کرده که شاید در سطح کشور نمونه‌های مشابه برای آن نتوانیم پیدا کنیم، تقریباً نزدیک به کارهایی که علی دهباشی در مجله‌ی بخارا انجام می‌دهد. همین تقدیر و تجلیل از فعالان عرصه‌ی فرهنگ و تاریخ و هنر یکی از کارهای بسیار شایسته و بارزی است که این انجمن به همت دوستان ترتیب داده‌اند. کار بسیار نیکویی است که اگر به کار دانشنامه‌ای منتهی شود قدر و قیمت آن بسیار بسیار بالاتر خواهد بود. صادقانه بگویم در سطح کشور به ندرت انجمن‌ها و نهادهای این چنینی وجود دارند که بدین گونه با دست خالی و بدون بهره‌گیری از منابع دولتی به امر مهم تقدیر و تجلیل از چهره‌های فرهنگی و تاثیرگذار شهر و استان مشغول باشند. باید به جنبه‌های تاثیرگذار و عناصر تمدنی تاثیرگذار در طول تاریخ و فرهنگ شهر و منطقه بپردازند... **ادامه در ستون میهن (ستون روبرو)**

آبگینه

افزایش ۱۰ درصدی اهدای خون توسط زنجانی‌ها در ماه محرم

سرچشمه-مدیر کل انتقال خون استان زنجان از افزایش ۱۰ درصدی اهدای خون در ماه محرم خبر داد و گفت: در سال‌های اخیر، موردی از کمبود خون و فرآورده‌های آن در استان زنجان نداشتیم.

سیامک اسدی اظهار کرد: پویش نذر خون از روز تاسوعا حسینی تا اربعین در استان زنجان اجرا می‌شود و مردم نیکوکار و نوع‌دوست استان می‌توانند در این پویش شرکت کنند. وی با بیان اینکه اهدای خون در این ایام به یکی از مناسک معنوی محرم تبدیل شده است، گفت: ماه محرم فرصتی برای ترویج فرهنگ اهدای داوطلبانه و بدون چشمداشت خون و تعمیق فرهنگ ایثار و نوع‌دوستی است. آمار اهدای خون در این ماه نسبت به سال قبل ۱۰ درصد و آمار مراجعه نسبت به سال پیش ۱۳ درصد افزایش داشت. او بیان کرد: در سال‌های اخیر، موردی از کمبود خون و فرآورده‌های آن در استان زنجان نداشتیم و این استان نقش پررنگی در کمک به شبکه ملی خون‌رسانی به دلیل همدلی و همراهی اهداکنندگان و همکاری پرسنل ایفا کرده است. اسدی ادامه داد: موارد معافیت از اهدای خون اندکی نسبت به سال قبل بیشتر بوده که دلیل آن عمدتاً مربوط به مسافرت اهداکنندگان به مناطقی بود که در آنها تب دنگی وجود داشت. طبق پروتکل‌های فعلی انتقال خون، مسافرت به این مناطق منجر به معافیت ۲۸ روزه برای اهدای خون می‌شود. مدیر کل انتقال خون استان زنجان افزود: سالانه بیش از ۶۰ هزار واحد فرآورده خونی در این استان اهدا و در مراکز بیمارستانی استفاده می‌شود که بیش از ۶۲ درصد اهداکنندگان خون به‌صورت مستمر به این کار اقدام می‌کنند.

* * *

ولی باز هم تاکید می‌کنم تا متدولوژی علمی دستمایه قرار نگیرد و کار علمی صورت نگیرد، نتیجه‌ی کار قابل توجه نخواهد بود.

دیدگاه شما نسبت به آثار منتشر شده‌ی دیگران در این زمینه چیست؟

پیش از این هم اشاره شده که فارغ از قوت و ضعف انتشار حتی یک ورق در خصوص جنبه‌های مختلف و متنوع تاریخ و فرهنگ و تمدن این شهر و استان را شخصاً مغتنم می‌دانم. اصولاً وجه غالب اغلب آثاری که تاکنون دیده‌ام بیشتر تاریخ توصیفی و تا حدودی تلفیق نه‌چندان شایسته‌ای از تاریخ‌نگاری توصیفی و تحلیلی بوده. از قدیمی‌ترین آثار مثل تاریخ علما و دانشمندان سید ابراهیم موسوی یا کتاب خطاطان و نویسندگان استاد فقید کریم نیرومند و آثار مختلف و متنوع استاد فقید یوسف محسن اردبیلی. نسل بعدی نویسندگان کارشان بیشتر تلفیقی است از تاریخ توصیفی و تا حدودی تحلیل البته با رویکردهای نوین‌تر تاریخ‌نگاری. البته من به صورت مفصل و مشبع و خب در حد توان و سواد ناقص خود در مقدمه‌ی کتاب جستارها، بحث ماخذشناسی و تاریخ‌نگاری ناقصی کرده‌ام درباره‌ی آثار مربوط به زنجان، ولی خب از تاریخ چاپ آن کتاب بیش از ۱۳ سال می‌گذرد و یقین ضرورت دارد آثار منتشر شده در سالیان اخیر هم مورد بررسی و نقادی قرار گیرند و آن جستار روز آمد شود. در مجموع کیفیت آثار منتشر شده از لحاظ روش شناسی و دیدگاه و انگاره‌های نویسندگان در حد متوسط به بالاست و به قول معلم‌های امروزی نیاز به کوشش بیشتر دارد. از لحاظ کمیت، نه خیلی کم کاری کرده‌ایم. خیلی. من نه به کسی بدهکارم نه با کسی تعارف دارم و بدون پرده می‌گویم آنچه تاکنون منتشر شده به گمانم مغتنم است. هر چند ناقص یا حتی اگر بتوان گفت ضعیف. اگر چاپ نشده بودند چه می‌کردیم؟ معلوم است هیچ.

جناب سلطانی چه پیشنهاد و یا توصیه‌ای به نسل جوان علاقمند به این حوزه دارید؟

به عنوان دانشجوی کوچک و نوسواد عرصه‌ی علم و تاریخ می‌توانم به خودم و سایر علاقمندان به حوزه‌ی تاریخ و تاریخ نگاری توصیه به یادگیری و آموزش کنم. مخصوصاً آموزش و یادگیری حداقل دو زبان عربی و ترکی. همین جا بگویم که خیلی از ماها دچار این توهم هستیم که مثلاً زبان‌های ترکی و فارسی را به کمال بلدیم. این سرآغاز گمراهی است. اشاره کردم خیلی از ماها حتی زبان فارسی را که سال‌هاست با آن خوانده‌ایم و نوشته‌ایم و حرف زده‌ایم در حد قابل قبول بلد نیستیم. سایر زبان‌ها که دیگر نگوییم. پس اولویت نخست یادگیری زبان است اعم از فارسی و ترکی و عربی و انگلیسی. یکی از ایرادات بزرگی که به مستشرقین وارد می‌شود این است که می‌گفتند آنها اهل اصطلاح نیستند، یعنی ظرایف و دقایق زبان‌های شرقی را آنچنان که ما می‌فهمیم درک نمی‌کنند و خب این اهل اصطلاح بودن در استفاده از مآخذ و منابع تعیین کنندگی تام دارد. آموزش زبان و اهل اصطلاح بودن از طریق مطالعه و خواندن متون کلاسیک و آثار برجسته‌ی ادبی و تاریخی معاصر حاصل می‌شود. دوم اینکه از تقلید نترسیم. اینکه من نوعی بتوانم به سبک علامه قزوینی یا مجتبی مینوی، صادق هدایت یا دکتر باستانی پاریزی و دکتر زرین‌کوب نثر بنویسم نه تنها عیب نیست به گمانم کمال افتخار است. دیگر اینکه کار تخصصی بکنیم. نسل ابن سیناها و ابوریحان بیرونی‌ها و ابن اثیرها و در یک کلام علامه‌ها منقرض شده. مدت‌هاست. در یک رشته و گرایش خاص تمرکز کنیم و در آن به کمال برسیم. در کنار آن می‌شود از آثار سایرین در سایر حوزه‌ها و عرصه‌های مختلف بهره برد. بپذیریم که همه چیز را همگان دانند و کلام نهایی اینکه بخوانیم، بخوانیم، بخوانیم و بخوانیم شاید بتوانیم یک بار بنویسیم.

رایپرت

بوش چاغیمیز (اوقات فراغت)

سایان ذبیحیان

(دئکور: ائوین اوشاق اوتاغی، میز، صندل، کمد، کیتابلار، فوتبال و اویون اشیالاری..)

محمد تاپیشیرلیقلارینی یئرینه یئتیریر، کیتابلارینی یئرینه قویور، پرده‌نی قیراغا چکیر و حوصله‌سیزلیگینی باشدان آتماق اوچون بیر شئی آختاریر.

محمد: ایندی ساعات دؤرد یاریمدی، نه ائدیم گؤرسن؟ ساعات اونا دک یوخلاییم؟..

اؤزونو موبلون اوستونه آتیر، اویونچاقلارینا باخیب گولومسه‌ییر. اویونچاقلارینی آلیر، اونلارلا بیراز اویناییر سونرا عصبله‌شیب قیراغا آتیر.

چوخ سیخیلیرام، گؤرسن نه ائدیم؟

صحنه‌نین آرخاسیندان ظاهیر اولان دوستو گلیب محمددن سوروشور؟

–نه اولوب نیه حیرصله‌نیرسن؟

محمد: بیلمیرم بوش واختیمی نئجه دولدوروم؟

–خب، گل منیمله کوچه‌ده توپ اوینا.

محمد: اولماز! آتاما سؤز وئرمیشم کوچه‌ده اوینامایام.. من استراحت ساعاتلاریندا توپ اوینامارام.

–ائله‌یسه بس او زامان ائله بوردا اویناریق.

محمد: یوخ بودا اولماز، بیر شئیه صدمه وورساق آنام ناراحات اولار. من واختیمی دولدورماق اوچون باشقا بیر شئی آختاریرام.

(تلوزیونون تمثیل ائدن بیر اوشاق ائشیگه چیخیر.)

–تلوزیون: تک چاره منم، من سنین اَیلنجنم، آچ منی و ایچیمده کی اَیلنجلردن باخیب لذّت آپار.

محمد کنترولو گؤتوروب تلوزیونو آچماق ایستینده کیتاب نقشینده بیر اوشاق اونو نلا تلوزیونون آراسیندا دایانیر.

–کیتاب: هئی محمد، نینیرسن؟ تلوزیونو بوشلا گل منله واختینی کئچیرت.. من سنه هر شئی دن فایدالی اولارام.

تلوزیون ایشه قاریشیب کیتابی ایتله‌ییر... الین قویور محمدین چینینه

–تلوزیون: اونون یانینا گئتمه، اونون یانینا گئتمک سنه داریخدیرجی اولار.

–کیتاب تلوزیونا چؤنوب دئییر: الحق کی جاهیلسن.

دونیانین ان عزیز یئری اوتوروب اوخودوغون مکاندیر.. و ان گؤزل چاغ کیتابلا یولداش اولدوغون زاماندیر.

من یانلیزلیغیندا اونونلا راحات اولا بیلجه‌یین آدامام... منه شوخلوغولا همیشه بار وئرن آغاج دئیرلر.

من سولمایان گول چیچگم، نیه مندن اوزاق گزیرسینیز.

من ائله‌بیر یولداشام کی، حوصله‌دن چیخیب یورولمارام. هر نده سوروشسانیز جاوابینیزی وئررم.

سن منه گرکلی اولماسان دا، منه سنه گرکلی‌یم. من سنین سویه‌نی خالق ایچینده یوخاری یا آپاریرام.

سن گئتدیکجه منه عادت ائدجکسن، مندن یاخشی دوست کیمی تاپا جاقسان سنه کؤمک ائدیب الیندن یاپیشسین.

واختینی منه وئر، من هر صفحه‌ده سنی قوجاقلاییب، دنیزین درینلیکلرینه و اوفوقون اوجالیقلارینا آپاراجاغام.

محمد: دوز دئییرسن ای کیتابیم. سنله غرور دویورام. من سنله گوجلویم. من سنین صحیفه‌لری آراسینداذوق آلیرام. کیتابی نین صحیفه‌سینی آچیب دئییر من سنی هئچ واخت ترک ائتمیجم.

تقدس‌بخشی به نسل جدید

نقدی بر یادداشت دکتر رنانی با عنوان «به پیشواز عزاداری دختران نسل زد برویم»

سیامک مهاجری

شاید این اولین بار باشد که در نوشتن مطلبی این‌چنین دچار هراس و تردید هستم! با اینکه به‌عنوان یک جامعه شناس و دانشجوی حقوق، با آنچه دکتر رنانی به دنبال آن هستند همراهم و صراحتاً با برخوردهای صورت گرفته در سال‌های اخیر با نسلی که به درست یا غلط به نسل Z معروف‌شده‌اند مخالفم، اما همچنان نگران و منتقد جریانی هستم که پس از اتفاقات پاییز گذشته به هر قیمتی به دنبال دفاع حداکثری از این نسل هستند که می‌تواند منجر به نوعی پوپولیسم نخبگانی شود، زیرا در رسانه‌محوری حاکم بر عرصه اجتماعی ما، به نظر می رسد با نوعی دلبری و جذب این نسل روبرو هستیم. که در ادامه به برخی از پیامدهای این وضعیت اشاره می کنم.

بایکوت منتقدان

این پوپولیسم نخبگانی، که این‌بار نه اهل سیاست که نخبگان، مجری و پیشگام آن هستند، پیشاپیش در حال رقم زدن وضعیتی است که هر منتقدی را در برابر موج بایکوت (**Cancel culture**) قرار می دهد که بر پایه‌ی آن خواه‌ناخواه هر سخنی در انتقاد از این نسل می‌تواند به محرومیت اجتماعی برای منتقدان تبدیل شود، این موج که به مدد شبکه‌های اجتماعی گسترش بیشتری نیز یافته است، می‌تواند معضلات ما را دو چندان کند و به بدیل اجتماعی، سرکوب نهادی بدل‌شود.

مارپیچ سکوت در جامعه

در عین حال این روند مطابق آنچه جامعه‌شناسانی چون الیزابت نیومن متذکر شده‌اند می تواند به‌سرعت بخش‌هایی از جامعه را درگیر وضعیت مارپیچ سکوت (**Spiral of silence**) کند؛ یعنی وضعیتی که طی آن افراد وقتی عقاید خود را در اقلیت می دانند، یا در موضوع مشخصی نظری متفاوت دارند، به دلیل ترس از انزوای اجتماعی یا پیامدهای آن، سکوت می کنند. این سکوت دیدگاه بخشی از جامعه را بیشتر به حاشیه می‌برد و این تصور را تقویت می کند که نظر غالب تنها دیدگاه قابل قبول است و در نتیجه چرخه‌ی انسداد آزادی بیان این‌بار هم در شکل اجتماعی و هم در شکل نهادی تداوم می‌یابد.

تقدس‌بخشی به نسل جدید

مضافاً به نظر می‌رسد آنچه اکنون در فضای سیاسی و اجتماعی ما به چشم می‌خورد، حاکی از این وضعیت است که نقد و نفی تقدس‌زدایی از حاکمیت و نهادهای سنتی، در حال تبدیل شدن به تقدس‌بخشی به نسل جدید و ارزش‌های مورد علاقه آن‌ها شده است. به این معنا که نفس تقدس‌بخشی نیست که مسئله‌مند می شود، بلکه باز مسئله، تقدس‌زدایی از امری برای تقدس‌بخشی به امری دیگر است!

درنتیجه باید خطر پوپولیسم نخبگانی، محرومیت اجتماعی منتقدان، ظهور پدیده مارپیچ سکوت و احیای تقدس گرایی جدید را جدی گرفت و گمان نکرد که حساسیت در این بخش، نافی تلاش‌های مدنی و حقوقی برای احقاق حق جامعه است.

اگوئیسم نسلی

صرف حمایت و پیگیری مطالبات به‌حق و سرکوب‌شده این نسل، نباید منجر به چشم‌پوشی نسبت به پیامدهای نامطلوبی شود که می‌تواند تا دهه‌ها خود این نسل و جامعه را درگیر معضلاتی لاینحل کند. نباید از یاد برد چگونه نورچشمی‌های گذشته‌هایی نه‌چندان دور، در فقدان شناخت درست و انتقادی، به خاری بر چشم اکنون جامعه بدل شدند. علیرغم برخی وجوه متفاوت و چشمگیر این نسل، که اگر از جنبه‌های اغراق‌شده آن که ویژگی هر نسلی است بگذریم، نمی توانیم بر پیامدهایی چون ایگویسم نسلی، که مع‌الاسف توسط بخشی از جامعه نخبگانی ما نیز تشدید می‌شود، چشم بپوشیم که از هم‌اکنون با اعتماد به نفس بیشتری اشکال متنوعی از خشونت، قطبی‌سازی، تعصب و نابرابری را تولید می‌کنند، گویی این خصائص در سایه‌ی صراحت، استقلال و شجاعت این نسل در نفی تحمیل‌های نهادی و ساختاری به دست فراموشی سپرده شده است.

تعارض گفتمانی

سنجش این وضعیت نیز بی‌نیاز از هر تأویل و تفسیری است. کافی است همان کسانی که در حمایت دربست از مطالبات این نسل از هیچ کوششی دریغ نکرده‌اند، تنها با نقدی ملایم از این سو یا حمایتی از آن سو سخنی به زبان بیاورند، تا به‌سرعت آماج حمله، تخریب و توهین قرار گیرند. اساساً باید پرسید فارغ از همسویی در مطالبات، چه نسبتی میان گفتمان امثال دکتر رنانی و بخش قابل توجهی از این نسل وجود دارد؟ کمااینکه خشونت کلامی، قطبی‌سازی، تعصب و مهم‌تر از همه کاهش ظرفیت تفکر انتقادی در این نسل مسأله‌ای جدی است که لااقل نسبتی با گفتمان ایشان ندارد.

سهل گیری نخبگان و فقدان تفکر انتقادی

درپیامد این سهل گیری ودلربایی همین بس که استاد به نامی چون رنانی، به جای اینکه در برابر این مطالبه دانشجویانش، نگاهی به قانون و اختیارات پلیس بیندازد و یا با یک جستجوی ساده ببیند آیا با اشکال دیگر عزاداری‌های نامتعارف برخوردی صورت گرفته است یا نه؟ همان پرسش‌ها را با فرض اینکه پاسخی برای آن وجود ندارد از فرمانده انتظامی البرز می‌پرسد، در حالی که جستجوی پاسخ این پرسش‌ها بر پایه‌ی نوعی تفکر انتقادی هم به او و هم به دانشجویانش مجال این را می‌داد که در سطح فنی‌تر و جدی‌تری مطالبات خود را مطرح کنند نه پرسش‌هایی ساده و روشنی که پاسخ آن برای پلیس نباید چندان مشکل باشد. در نتیجه رنانی پیشاپیش با همدستی ناخواسته با این نسل، پیشران وضعیتی می‌شود که مطالبات جدی حاصل از نوعی تفکر انتقادی به سطح مطالباتی که بیشتر کارکرد تسکین‌بخش و روانی برای این نسل دارد فروکاسته‌شود.

مفروضات دکتر رنانی در نقد پلیس

با این مقدمه اگر بخواهیم به متن یادداشت جناب دکتر رنانی با عنوان به پیشواز عزاداری دختران نسل زد...» برویم باید بگوییم که به نظر می‌رسد که در نقد ایشان منطقی در جریان است که در قالب پرسشی استفهامی به دنبال مهر تایید زدن بر این دو گزاره است:

۱. احتمالاً اقدام پلیس در احضار این افراد فاقد وجاهت قانونی بوده‌است.

۲. پلیس در خصوص عمل به وظایف خود یعنی مقابله با هنجار شکنی و خدشه‌دار کردن احساسات عزاداران از استانداردهای دوگانه‌ای بهره‌می‌برد، یعنی به طور مثال قمه‌زنی و عزاداری‌های نامتعارف را مصداق هنجار شکنی نمی‌داند اما در خصوص عزاداری دختران بی حجاب از این مکانیسم به صورت دلبخواهی استفاده می کند. به طوری که ایشان از فرمانده انتظامی البرز می‌پرسد که این خدشه‌دار شدن (احساسات عمومی) چگونه اندازه گیری می‌شود؟ وهنجارشکنی چیست؟

مطابق آنچه در ادامه خواهد آمد، فارغ از مخالفت با اصل آن، هردو مفروض جناب دکتر رنانی نادرست است، یعنی هم اقدام پلیس دارای وجاهت قانونی بوده است و هم در عمل به وظایف خود در مقابله با هنجارشکنی از استانداردهای دوگانه‌ای بهره نبرده است. مجدداً تکرار می کنم این داوری به معنای موافقت با این روند نیست، بلکه اشاره به این نکته است که جناب دکتر رنانی با چشم‌پوشی از نقدی که بر مبانی استوار است با مفروضات خود در قبال عملکرد پلیس، به ورطه‌ای می‌افتد که در عمل به جای نقد مبانی حقوقی و حکمرانی در خصوص این مساله به حمایتی از جنس دلربایی از جوانان و بخشی از افکار عمومی می‌پردازد. از همین رو تا جایی پیش می‌رود که ناچار می‌شود از دین‌ورزی آزادنه نسل زد دفاع کند، بی آنکه دانسته یا نادانسته از این تمایز مهم غافل شود که آنچه در عمل آیینی به وقوع می‌پیوندد (و البته قابل تغییر است) اساساً با کنش دینی افراد تفاوت وجود دارد، و حساب دین‌ورزی افراد را باید از رفتار و مناسک آیینی آن‌ها جدا کرد. در نتیجه گزاره‌هایی چون «آنان با دین مشکلی ندارند» دیگر از جنس همان تعارفات و دلبری‌هاست که معلوم نمی کند بر پایه‌ی چه مستندات و شواهدی ایشان به این نتیجه کلی رسیده‌اند که این نسل با دین مشکلی ندارند. کمااینکه شرکت در مراسم آیینی الزاماً نسبت مستقیمی با دینداری یا عدم دینداری افراد ندارد و عمدتاً از برخی الگوهای اجتماعی پیروی می کند. یا در ادامه ایشان با اشاره به مقاومت پلیس کانادا در خصوص لایحه دولت در ممنوع کردن تلفن همراه در هنگام رانندگی به نوعی دچار مغالطه‌ای می شوند که بیش از آنکه به کار پلیس و یا تغییر در عملکرد حکمرانی بینجامد، به کار جذب همین نسل ناشنیده مانده می آید. زیرا فارغ از صحت و سقم اصل خبر، نباید از یاد برد که مشاوره پلیس در روند تصویب یک قانون با عملکرد آن پس از تصویب آن قانون کاملاً متفاوت است. زیرا با آنکه در سال‌های گذشته نزدیک به نیمی از شهروندان کانادا با تصویب این قانون مخالف بودند، اما پس از تصویب آن پلیس همواره در اجرای آن جدیت به خرج داده و حتی در سال ۲۰۱۴ اعلام می کند بیشترین جریمه پلیس و اولین عامل مرگ و میر حاصل از تصادفات ناشی از عدم اجرای همین قانون بوده است.

آیا برخورد نیروی انتظامی وجاهت قانونی داشت؟

و اما بازگردیم به آن دو گزاره استفهامی مفروض جناب دکتر رنانی، که البته باز تاکید می کنم تایید قانونی بودن رفتار پلیس به معنای درستی آن نیست، بلکه جهت تحریر حقیقت و تقریر درست محل نزاع است. به‌صورت فشرده و خلاصه مطابق ماده ۲۹ آیین دادرسی مدنی از آنجایی که نیروی انتظامی از ضابطین قوه قضائیه به حساب می آید و بر طبق بند ج ماده ۴ قانون مربوط به نیروی انتظامی یکی از وظایف این نیرو مبارزه با منکرات و فساد است و بر طبق ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی که اشعار می‌دارد هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی تظاهر به عمل حرامی نماید این عمل جرم است و حتی در ذیل تبصره این قانون از زنانی نام می‌برد که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر می شوند، باید گفت اقدام پلیس در برخورد با این دختران با حداقل موازین حقوقی و قانونی نمی تواند محل اشکال باشد.

اما اینکه پلیس در عمل به وظیفه‌ی خود مشخصاً در خصوص عزاداری‌های نامتعارف از استانداردهای دوگانه‌ای پیروی می کند، هر چند ممکن است کسانی مدعی شوند که در سیاست اعلامی و اجرایی پلیس نوساناتی در سال‌های اخیر وجود داشته، اما همه ساله پیش از برگزاری مراسم محرم پلیس، دادستان عمومی و مراجع صاحب صلاحیت ضمن اطلاعیه‌های ممنوعیت مواردی چون ایجاد آلودگی صوتی، لخت شدن و عزاداری‌های نامتعارف و قمه‌زنی را متذکر شده‌اند و در این خصوص قانون‌گذار و مجری سکوت نکرده‌اند. برای نمونه با ارجاع به مقاله دکتر محسن برهانی با عنوان «عزاداری‌های نامتعارف در پرتو حقوق کیفری و رویه قضائی ایران» که در پاییز ۱۴۰۰ در نشریه علمی «دیدگاه‌های حقوق قضایی» به چاپ رسید، ایشان به پرونده‌هایی در خصوص قمه‌زنی که در دستگاه قضایی منجر به محکومیت افراد شده اشاره می کند، و در آن مقاله اقدام نیروی انتظامی در مقابله با عزاداری‌های نامتعارف را عملی قانونی می‌دانند، هرچند بر پایه مستنداتی به درستی با جنبه کیفری دادن به آن مخالفت می کنند که از موضوع این نوشتار خارج است.

در خصوص اینکه هنجارشکنی چیست؟ و خدشه‌دار شدن احساسات عزاداران چگونه اندازه گیری می‌شود؟ در ذیل بحث نظم عمومی چیست؟ در میان حقوقدانان مباحث گسترده‌ای از قدیم‌الایام درجریان بوده است که باتوجه به مطول شدن کلام از آن می گذرم، اما به نظرم مطالبه‌ی این پرسش درست و مهم نه از نیروی انتظامی که باید به مطالبه‌ای از بدنه کارشناسان حقوقی و قضایی کشور بدل شود. در پایان امیدوارم، نقد اینجانب بر پاره‌ای مبانی حقوقی و جامعه‌شناسانه، از ارزش و اهمیت دلواپسی بزرگانی چون ایشان برای سرنوشت آینده جامعه نکاسته باشد و بر اهمیت حل و فصل آن سایه نینداخته باشد.

دوسیه

خانه‌ی مطبوعات در تصرف ارشاد

هفت‌حوض– انتخابات هیات مدیره خانه مطبوعات استان برگزار نمی‌شود. انتخابات خانه مطبوعات استان به دلیل به حد نصاب نرسیدن نامزدهای هیئت مدیره برگزار نمی‌شود. انتخابات هیات مدیره خانه مطبوعات که در ۲۸ آذر ماه ۴۰۲ برگزار شده بود بدون ارائه‌ی هیچ دلیلی از سوی اداره کل فرهنگ و ارشاد استان زنجان ابطال شده است. اداره کل ارشاد در حالی اقدام به برگزاری انتخابات می کند که دلیل ابطال نتیجه‌ی انتخابات گذشته را اعلام نکرده‌است.

* * *

آلدادان اکینجی

اوشاق حیکایه‌سی

یازان: محمد منصور – چئویرن: سایان ذبیحیان

دئییرلر کی، بیر آلدادان اکینجی زمی‌سینین قویوسونو باهالی قیمتده قونشوسونا ساتدی. ائرته‌سی گونو آلان کیشی گلدی قویودان سو آپارسین، آلدادیجی اکینجی اونا دئدی: چیخ گئت، من سنه قویونو ساتمیشام، قویونون سویونو ساتمامیشام کی! آلان کیشی آلدادان آدامین سؤزلریندن تعجوبلندی و نقدر چالیشدی آلدادیجی اکنجینی قاندیرا، قاندیرابیلمه‌دی، سونو قاضی نین یانینا شیکایتلنمگه گئتدی. حیکم بو سؤزو ائشیتجه‌یین دستور وئردی، آلدادان اکینجینی اونون یانینا گتیرسینلر، قویو و سویون اختیاراتی دا آلان کیشی‌یه وئریلسین. آلدادان اکینجینی قاضی نین یانینا گتیردیلر. قاضی اوندان ایسته‌دی قویونون سویونو کیشی‌یه وئرسین، اما او قبول ائتمه‌دی. قاضی دئدی: یاخشی بس ائله ائدریک، سن قویونون سویونو چیخاردارسان، یالنیز قویو آلان کیشی‌نین اولار. آلدادان اکینجی بو سؤزدن دلی اولدو و آنلادی کی آلداتماق بیرینجی اؤزونه ضرر وورماق‌دیر.

* * *

وطن

اوشاق حیکایه‌سی

عربجه‌دن چئویرن: سایان ذبیحیان

چؤلون ایستی و سوسوز هاواسیندا ایکی بالاجا و گؤزل قوش یاشاییردیلار. بیر گون اؤز آرالاریندا یاشاییش لاری‌نین چتین وضعیتیندن گیلئیله‌نیردیلر کی، بیردن یمن تورپاقلاریندان طرف گلن یوموشاق و سرین بیر یئل اسدی. قوشلاردا بو ایکی یئلین اسمه‌سیندن سئویندیلر و باشلادیلار چهچه‌اوخوماغا. ائله بو زامان سرین و یوموشاق یئل بو ایکی قوشو بیر آغاجین آلتیندا گؤردو اگله‌شیبلر. تعجبوله‌نیب، اونلاری بو وضعیتده گؤررک دئدی: سیز قوشلار نقدر گؤزلسیز، بس بو حئیرتلی درجه‌ده گؤزللیکله بو ایستی و چتین وضعیتده نئجه یاشاییرسیز؟ من سیزی یمنه آپارابیلرم اورانین سرین و بال کیمی شیرین سولاریندان ایچیب لذّت آپاراسیز.

ایندی نه دئییرسیز، منیمله گلیب اوردا یاشایاجاغیمیزی قبول ائدیرسیزمی؟

قوشون بیریسی بیراز فیکیرله‌شیب، عاقیللی دوشونوب دئدی: سن ای سرین یئرلرین و کوله‌گین نفسی، سن گوندن گونه بیر یئره کؤچورسن، سن وطن سئوگیسینی بیلدین می هئچ؟ ائله‌دیرسه گئت و مینتینی ده اؤزونله آپار، یئر اوزو جنّت اولسا بئله وطنیمیزله دگیشمه‌ریک. اگر بیزی ایسته‌ییرسن ائله بوردا قال و بورا یاغ.

مشابهتِ بدون مجاورت

سنت ادبی ما و امریکای لاتین

حسین نجاری

مگر می‌شود در بحر شعر و ادبیات شناور بود و سر از کرانه‌های دور و دلنشین آمریکای لاتین در نیاورد. آمریکای لاتین در نگاه ما ایرانیان مرکز جنگ چریکی و رئالیسم جادویی است ولی تجربیات جامعه‌ی مدنی آن نیز در نوع خود درخور تامل است. ادبیات (شعر و رمان) امریکای لاتین نه تنها بر اسپانیا و اروپا که بر مناطق مختلف دنیا تاثیرگذار بوده‌است. بورخس، اسپانیای قرن هجده و نوزده را از نظر ادبی، فقیر و عاری از خلاقیت می‌داند و بر این باور است که در طی این دوران حتی یک اثر ادبی قابل تامل خلق نشده ولی او اسپانیای قرن بیستم را تحسین می کند و تمام شاعران مهم اسپانیایی را حاصل مدرنیسم می‌داند، مدرنیسمی که هدیه‌ی کشورهای آمریکای جنوبی اسپانیایی زبان بود.

لوئیس خورخه بورخس و پابلو نرودا و اکتاویو پاز و گابریل گارسیا مارکز و بارگاس یوسا و ده‌ها ستاره‌ای که در سپهر شعر و رمان می‌درخشند از آن جغرافیایی جادویی برخاسته‌اند. نکته‌ی جالب اینکه تک‌تک این چهره‌ها در کنار کار ادبی به کنشگری سیاسی دامنه‌داری نیز پرداخته‌اند، بورخس از خانواده‌ای اصیل و مبارز آرژانتین با اصالت اروگوئه‌ای است. پدر بزرگ، مادر بزرگ، پدر و مادر و عمه و سایر اقوامش دستی در ادبیات و سیاست داشته و درگیر مبارزه با نظام دیکتاتوری در عصر خویش بودند. خود بورخس به سبب مخالفت با استبداد، به دستور پرون؛ دیکتاتور نظامی آرژانتین از کتابداری به سِمت تحقیرآمیز «بازرسی مرغداری‌ها» گمارده می‌شود، ژورژه آمادو نیز علیرغم کسب رای مردم به نمایندگی، به خاطر عقاید سیاسی‌اش از کشورش تبعید می‌شود. همچنین پابلو نرودا، سفیر شیلی در مکزیک و... طرفدار سرسخت کمونیسم، به ویژه استالین است که سر عقاید سیاسی خود با اکتاویو پاز رابطه‌اش مخدوش می گردد، او برنده‌ی نوبل است و در نهایت محکوم به مرگ، مارکز طرفدار فیدل کاسترو و طبق معمول دارای گرایش کمونیستی است و از سوی دوست نزدیکش بارگاس یوسا مورد نکوهش بوده و مشتی هم از او به یادگار می‌خورد! مارکز از برندگان نوبل ادبی است و یوسا او را نویسنده‌ی بزرگی می‌داند و در عین حال می‌گوید کسی که داد ستایش از کاسترو سر دهد به لحاظ سیاسی بی‌شعور است. خود یوسا در اوضاع سیاسی کشورش دخالت داشته و از سیاست‌پیشگان نامدار آن به شمار می‌رود. او استبداد ستیز است و صدای صلح‌جویی و دادخواهی مردم آمریکای لاتین را به گوش جهانیان رساند. او نویسنده‌ی بزرگ و برنده‌ی جایزه‌ی نوبل ادبیات است.

اکتاویو پاز سفیر مکزیک در هند و انگلستان و... جایزه‌ی نوبل را در ۱۹۹۰ برده است. او هم سیاستمداری کاردان است و حضور مستمری برای روشنگری در تاریکخانه‌ی سیاست داشته است. البته در عصر روشنگری پیوسته تلاقی ادبیات و فلسفه و سیاست وجود داشته است و در اروپا و به ویژه فرانسه نیز نمونه‌های فراوانی به چشم می‌خورد که نویسندگان آن همواره نگاه پیوسته‌ای به سیاست داشته و به گفته‌ی آرون، روشنفکران آن بر حسب عادت در صف مخالفان می‌ایستادند. و تنها در محافل پاریسی است که رمان‌نویسان می‌توانند جایگاهی برابر یا بالاتر از سیاستمداران داشته باشند. فرانسه اساساً بهشت روشنفکران و روشنفکران آن انقلابی بوده‌اند!

به هر صورت بحث شعر و ادبیات آمریکای لاتین است و در این مقال کاری به کارنامه‌ی سیاسی کنشگران ادبی آن نیست، اگر چه می‌شود نقبی به آن زد و کنشگری سیاسی برخی از آن‌ها را در وادی سیاست به چالش کشید ولی آنچه که مدنظر است، سنت شاعرانگی و ادبی آن‌ها و شباهت معناداری است که به سنت شاعرانگی و روشنفکری ما دارند! تو گویی ما شمایل دیگری از چهره‌ی ادبی و روشنفکری آن‌هاییم و این شباهت شگفت‌انگیزی بین ما و آمریکای جنوبی است. و نکته‌ی دیگر اینکه در آن سرزمین‌ها نیز ژنرال‌ها حکم رانده‌اند و شرح آن خود مقال دیگری می طلبد. اینجا مجالی کوتاه برای پرداختن به سبک نویسندگی و شیوه‌ی شاعرانگی بزرگان ادبیات آمریکای لاتین است.

بورخس، برای آفرینش شعر به الهام شاعرانه ایمان دارد و می گوید قبل از سپردن خویش به دنیای الهام نباید به منطق اجازه‌ی تسلط داد. او تاکید می کند که در شرق چنین است و غرب هنوز به اهمیت آن پی نبرده است. بورخس عمیقاً به شهود باور دارد و بر این عقیده است که الهام به طور مداوم بر ما عمل می کند. او نگاهی به هند و چین و ژاپن دارد و البته «حافظ» ما را نیز به خوبی می شناسد و بر اهمیت و جایگاه او واقف است.

لوئیس در برهه‌ای گرایش اولترائیستی داشته و مروج آن در آرژانتین بود. اگر چه بعدها از آن عبور کرد. این مکتب ادبی معادل سبک هندی در سنت شعری ما به شمار می‌رود که با گشاده‌دستی از تصاویر و استعاره‌های شدید و غلیظ و دور از واقع بهره می‌برد. نمی‌شود دیده بر نازک‌خیالی‌های آن فروبست.

همچنین اوکتاویو پاز، شبه‌قاره‌ی هند را دنیای شگفت‌انگیزی می‌داند و می‌گوید: «دشت پهناوری است در دور دست، سپید با معماری رو به زوال، رودی خروشان و پرتوان، درختی عظیم که میان گره‌ها و چنگال‌های این درخت زنی بر می‌خیزد و من به او دل باختم و در هند پیوند زناشویی بستم.» پاز می گوید بودائیسم بر من تاثیر عمیقی گذاشت و... در شرق، او نیز نگاهی به هند و چین و ژاپن دارد. پاز نیز تاکید بر الهام شاعرانه دارد و می‌گوید: «سطرهای آغازین شعر، خود به خود به ذهنم نازل می‌شود و نمی‌دانم از جانب خداست یا از آن قوه‌ی اسرارآمیز است که الهام نامیده می‌شود.» او می‌گوید: «سی بیت اول شعر «سنگ آفتاب» را چنان سرودم که گویی کسی آن را به نجوا برایم دیکته می‌کرد و من از روانی آن سطرها و یازده سیلابی که یکی پس از دیگری ظاهر شد شگفت‌زده شدم.» البته او بر این باور است که باید به یاری الهام برخاست. و این همان چیزی است که ما در سنت شاعرانگی خود آن را تجربه می کنیم و شعر را حاصل آمیزش ناخودآگاه و خودآگاه و تلازم جوشش و کوشش در کار نوشتن می‌دانیم. شاملو با آن که نگاه تازه و ذهن مدرنی دارد و نیز صبغه‌ی روشنفکری او بی‌پرده از در و دیوار کتاب و خطابش در تجلی است، شعر را حاصل شهود می‌داند و بر این باور است که باید به ذهن شاعر نازل شود. منصور اوجی در جایی می گوید شعر مثل شاشیدن است، تا خودش نیاید نمی‌شود کاری کرد.

منزوی هم می گوید: «تا تو برگردی و از نو غزلی بنویسم/ می‌گذارم که قلم پر شود از شیدایی» و ده‌ها شاهد مثالی که می‌شود برای اثبات این مدعا پشت سر هم ردیف نمود. تنها شاعری که به لحاظ نظری و عملی در شعر فارسی از مرز سنت شاعری ما عبور کرده نیماست. او نگاه دیگری دارد نگاهی متمایل به سنت شاعرانگی غرب، همان نگاهی که بودلر دارد یا همان رویکردی که الیوت اتخاذ می کند. تی‌اس الیوت برای نوشتن شعر «سرزمین بی حاصل» به سفر می‌رود و در خلوتی دور شعر خود را می‌نویسد. یا شارل بودلر شعر را تماماً صناعت می‌داند و می گوید طبیعت زیبایی ناقصی است و اوج زیبایی در کار دست انسان است و این انسان است که به آن میزانسن می‌دهد و در موقعیت‌های زیبایی‌شناسی قرار می‌دهد.

علیرغم برشمردن مشابهت‌های مربوط به سنت شاعرانگی، منش روشنفکری و کنشگری سیاسی میان کنشگران اسپانیایی زبان آمریکای جنوبی و نیز شاعران و نویسندگان ایرانی، به قیاس نادرست آن‌ها عمیقاً آگاه بوده و بر فاصله‌ی عظیم و روزافزون میان این دو جهان نامتوازن واقفم. بیراه نیست که ادبیات امریکای لاتین خود را به برند بین‌المللی تبدیل کرده اما ادبیات ما در دنیا، الفبای ناشناخته‌ای است، بدیهی است که ما مشکل زبان داریم و در پشت مرزهای زبانی زمین گیر شده‌ایم.

دنیا نیز کمترین شناختی از زبان ما ندارد در حالی که تعداد گویشوران زبان اسپانیایی در آمریکای جنوبی و... حدود ۶۰۰ میلیون نفر می‌باشد، از طرفی زبان اسپانیایی ارتباط نزدیکی با دیگر زبان‌های غربی دارد و پیوسته در حال نوسازی جهان درونی خویش است. همچنین فقر فکری، ادبی و نیز فقدان رشته‌ی ارتباطی تاثیرگذار و نیز درک دست دوم مدرنیته و... از عوامل محرومیت تاریخی ما از جایزه‌ی نوبل و دیگر جوایز معتبر جهانی بوده و ابداً با تعدادنوبل‌های ادبیات اسپانیایی قابل قیاس نیست.

موج بیداری
مطبوعه هفتگی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: فرامرز نجّاری
رییس شورای سردبیری: حسین نجّاری
لیتوگرافی امیر، چاپ: کتیبه
نشانی: زنجان، خیابان ۱۷ شهریور، ابتدای خیابان انقلاب اسلامی، پلاک ۲۳۴
تلفن: ۳۳۵۶۸۶۷۰ ، کد پستی: ۴۵۱۸۸۳۶۷۷۹

ارائه‌ی خدمات به‌اقشار آسیب‌پذیر افتخار ماست

مدیر کل بهزیستی استان زنجان به مناسبت هفته بهزیستی پیامی صادر کرد

مدیر کل بهزیستی استان زنجان ضمن تسلیت به‌مناسبت ایام سوگواری سید و سالار شیهدان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و تقارن آن با بزرگداشت هفته بهزیستی با شعار «نهضت حسینی، خدمت مردمی» پیامی به شرح ذیل صادر کرد.

به گزارش روابط عمومی بهزیستی استان زنجان متن پیام دکتر روح اله خدابنده لو چنین است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

ذات و ساحت کار در سازمان بهزیستی بر پایه‌ی یاری رساندن به مددجویان نیازمند و رسیدگی به امور افراد دارای معلولیت، آسیب دیدگان اجتماعی و محرومین است و خدمت خالصانه و سالم تنها با روحیهٔ ایثارگری و فداکاری و الگوگیری از نهضت حسینی و سیره ی اهل بیت(ع) میسر بوده و کارکنان بهزیستی افتخار می کنند که با تمام محدودیت‌ها و مشکلات موجود می توانند خدمتی شایسته، موثر و با کیفیت به اقشار آسیب‌پذیر جامعه ارائه کنند.

توفیق خدمت به محرومین و مستضعفین به عنوان روزی خداوندبرای پرسنل و کارکنان سازمان بهزیستی تلقی می شود و فعالیتهای اجتماعی بهزیستی مجموعه‌ای از تدابیر، مشاوره و فعالیت‌های حرفه‌ای است که در نهادها، مراکز و موسسات توانبخشی، اجتماعی، فرهنگی و تربیتی و پیشگیری توسط تلاشگران عرصه خدمت که اسوه صبوری و تواضع توام با دانش هستند عرضه می‌شود تا با ایجاد تغییر و دگرگونی مناسب در شرایط مادی و معنوی افراد و اقشار آسیب پذیر جامعه، زمینه به زیستی، رشد و تعالی آنها را فراهم آورد.

اینجانب هفته بهزیستی را به همه مددجویان و جامعه هدف ولی نعمت بهزیستی، مهرورزان فداکار بهزیستی، تلاشگران عرصه سلامت اجتماعی و ایثارگران مسیر دشوار بهتر زیستن صمیمانه تبریک عرض نموده و از تمامی کارکنان، مدیران، کارشناسان، روانشناسان و مددکاران بهزیستی و همچنین مراکز غیر دولتی و شرکای اجتماعی و خیرین که رسالتی سنگین و حرفه ای را بر عهده دارند صمیمانه تقدیر و تشکر نموده و از درگاه خداوند تبارک و تعالی برای همگان آرزوی سلامتی و موفقیت را دارم.

دکتر روح اله خدابنده لو
مدیر کل بهزیستی استان زنجان

مدیر کل بهزیستی استان خبرداد:

۸ درصد خانوارهای زنجانی زیر نظر بهزیستی‌اند

سازمان بهزیستی کشور
اداره کل بهزیستی استان زنجان
نشست خبری
نهضت حسینی خدمت مردمی

مدیر کل بهزیستی استان زنجان گفت: در حال حاضر ۲۹۸ فرزند بهزیستی تحت پوشش خانواده‌ها قرار دارد.

روح‌الله خدابنده‌لو، درنشست خبری اظهار کرد: ۳ هزار و ۴۳۳ خانوار معادل ۱۰۰ هزار نفر را زیر پوشش داریم که حدود ۸ تا ۹ درصد جمعیت استان را در بر می گیرد.

وی بااشاره به اینکه ۱۹هزارو ۲۸۲ خانوار معادل ۶۳ درصد مستمری‌بگیر هستند،افزود:بهزیستی بابت پرداخت مستمری پشت نوبت ندارد و از محل هدف‌مندی یارانه‌ها به حساب مددجویان واریز می‌شود.

مدیر کل بهزیستی استان زنجان با بیان اینکه سال گذشته ۹ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان از مشارکت‌های مردمی دریافت کردیم که بخش عمده آن به ماه مبارک رمضان مربوط است، ابراز کرد: امسال هم با دریافت فطریه ۱ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان کمک مردمی داشتیم.وی یادآور شد: جذب مشارکت‌های مردمی در رفع مشکلات مددجویان نقش بسزایی داشته و همه نذورات نقدی و غیرنقدی اهدایی از سوی خیران بین نیازمندان، اقشار آسیب‌پذیر و جامعه هدف بهزیستی در اسرع وقت توزیع می‌شود.

خدابنده‌لو تعداد پرونده‌های حوزه توانبخشی را ۱۹ هزار و ۳۳۱ پرونده معلولیت با احتساب کمیسیون پزشکی برشمرد و گفت: ۹۱ درصد این افراد یعنی ۱۷ هزار و ۵۰۷ خانوار از معلولان مستمری‌بگیر سازمان هستند.

وی خاطرنشان کرد: از تعداد کل معلولان ۳۵۴ فرد معلول ضایعه نخاعی بوده که به این افراد خدمات ویژه شامل خدمات توان پزشکی، حق پرستاری و سایر خدمات مددکاری ارائه می‌شود و مابقی معلولان تحت پوشش شامل ۹ درصد باقی مانده با توجه به عدم شرایط احراز دریافت مستمری از خدمات مددکاری، مشاوره‌های تخصصی و سایر برنامه‌های سازمان بهره‌مند می‌شوند.

مدیر کل بهزیستی استان زنجان ابراز، کرد: علاوه بر این در مجموعه توانبخشی از ۹۰۹ دانش‌آموز و ۱۵۹ دانشجوی معلول حمایت می‌شود.

وی با اشاره به اینکه در مجموع ۶۷ مرکز غیردولتی در بخش‌های روزانه، شبانه‌روزی ویزیت در منزل و مرکز مراقبت در منزل و مراکز مثبت زندگی در حوزه توانبخشی به افراد دارای معلولیت خدمات ارائه می‌دهد، یادآور شد: تعداد مددجویان نگهداری شده در مراکز شبانه روزی ۷۶۸ نفر است.خدابنده‌لو تعداد مددجویان معلول بهره‌مند از وسیله کمک توانبخشی در سه ماه اول را ۲۷۲ نفر برشمرد و افزود: در سال گذشته یک هزار و ۱۲۰ نفر از این خدمات بهره‌مند شدند و ۱۷ هزار و ۵۰۷ نفر از افراد دارای معلولیت مستمری ماهیانه دریافت می‌کنند.

وی با اشاره به اینکه تعداد فعالیت‌های مراکز روزانه حرفه‌آموزی و کارگاه‌های تولیدی حمایتی ۱۳ مرکز است، عنوان کرد: تعداد خدمت گیرندگان مراکز روزانه حرفه‌آموزی و کارگاه‌های تولیدی حمایتی نیز ۵۳۱ نفر است.

خدابنده‌لو با بیان اینکه در حال حاضر ۴۶ فرزند در خانه‌های بهزیستی تحت پوشش هستند، اظهار کرد: ۳۴۴ فرزند نیز تحت سرپرستی قرار دارند.

وی تعداد فرزندان تحت پوشش در خانواده را ۲۹۸ نفر خواند و گفت: در سه ماهه اول امسال ۱۲ کودک و در سال گذشته ۶۵ کودک به خانواده و جامعه انتقال یافتند.

مدیر درمان تامین اجتماعی استان:

ارتقای سطح خدمات درمان مهم‌ترین هدف ماست

اعلانات-مدیر درمان تامین اجتماعی استان زنجان گفت: رویکرد سازمان تامین اجتماعی تسهیل و تسریع درخدمت رسانی به جامعه هدف است و از این رو علاوه بر خدمت رسانی در مراکز درمانی ملکی در استان‌ها آمادگی برای امضای قرارداد خرید خدمت با همه مراکز درمانی و تشخیصی خصوصی، دولتی و وابسته فراهم شده است.

امیرعباس جراحی علمداری در نشست خبری که به مناسبت هفته تامین اجتماعی برگزار شد، با اشاره به افزایش امید به زندگی، اظهار کرد: ارتقاء خدمات بهداشتی و درمانی و رشد کیفیت زندگی، منجر به افزایش امید به زندگی از حدود ۵۵ سال قبل از انقلاب به بالای ۷۵ سال در حال حاضر شده است.

وی با بیان اینکه خدمتگزاران تامین اجتماعی استان زنجان در حال حاضر این افتخار را دارند که به بیش از ۵۳ درصد از جمعیت یک میلیون و ۱۱۹ هزار نفری استان در حوزه‌های مختلف خدمات درمانی ارائه کنند، ادامه داد: در حال حاضر مدیریت درمان تامین اجتماعی استان زنجان ماهانه بطور متوسط ۱۱۳ میلیارد تومان تعهدات درمانی به بیمه‌شدگان و مردم استان ارائه می‌کند. مدیر درمان تامین اجتماعی استان زنجان با توضیح اینکه در حال حاضر مدیریت درمان تامین اجتماعی استان زنجان به دو روش کلی درمان مستقیم و غیرمستقیم به بیمه‌شدگان این سازمان ارائه خدمت می‌کند، تصریح کرد: در درمان مستقیم همه خدمات درمانی در مراکز ملکی سازمان تامین اجتماعی به صورت رایگان برای بیمه‌شدگان اجباری ارائه‌می‌شود.

وی با بیان اینکه دو بیمارستان، یک پلی‌کلینیک و چهار درمانگاه در قسمت‌های مختلف استان خدمات متنوع درمانی را به صورت رایگان ارائه می‌دهند، افزود: از سوی دیگر به منظور تکمیل پوشش درمانی بیمه‌شدگان این مدیریت با ۶۰۰ مرکز مستقل درمانی، مطب پزشکان و مراکز پاراکینیک قرارداد بسته است؛ در این نوع از ارائه خدمات درمانی که به درمان غیرمستقیم معروف است بیمه‌شدگان با پرداخت فرانشیز از خدمات درمانی مورد نیاز خود در مراکز طرف قرارداد بهره می‌برند.او تاکید کرد: در راستای توسعه خدمات درمانی این مدیریت درمان در حال حاضر، دو پروژه دردست اجرا (طرح توسعه بیمارستان شهید سلیمانی ابهر و احداث درمانگاه جدید سهروردی در شهرستان خدابنده) با تخصیص اعتباری اولیه بالغ بر ۱۵۷ میلیارد در حال ساخت است.

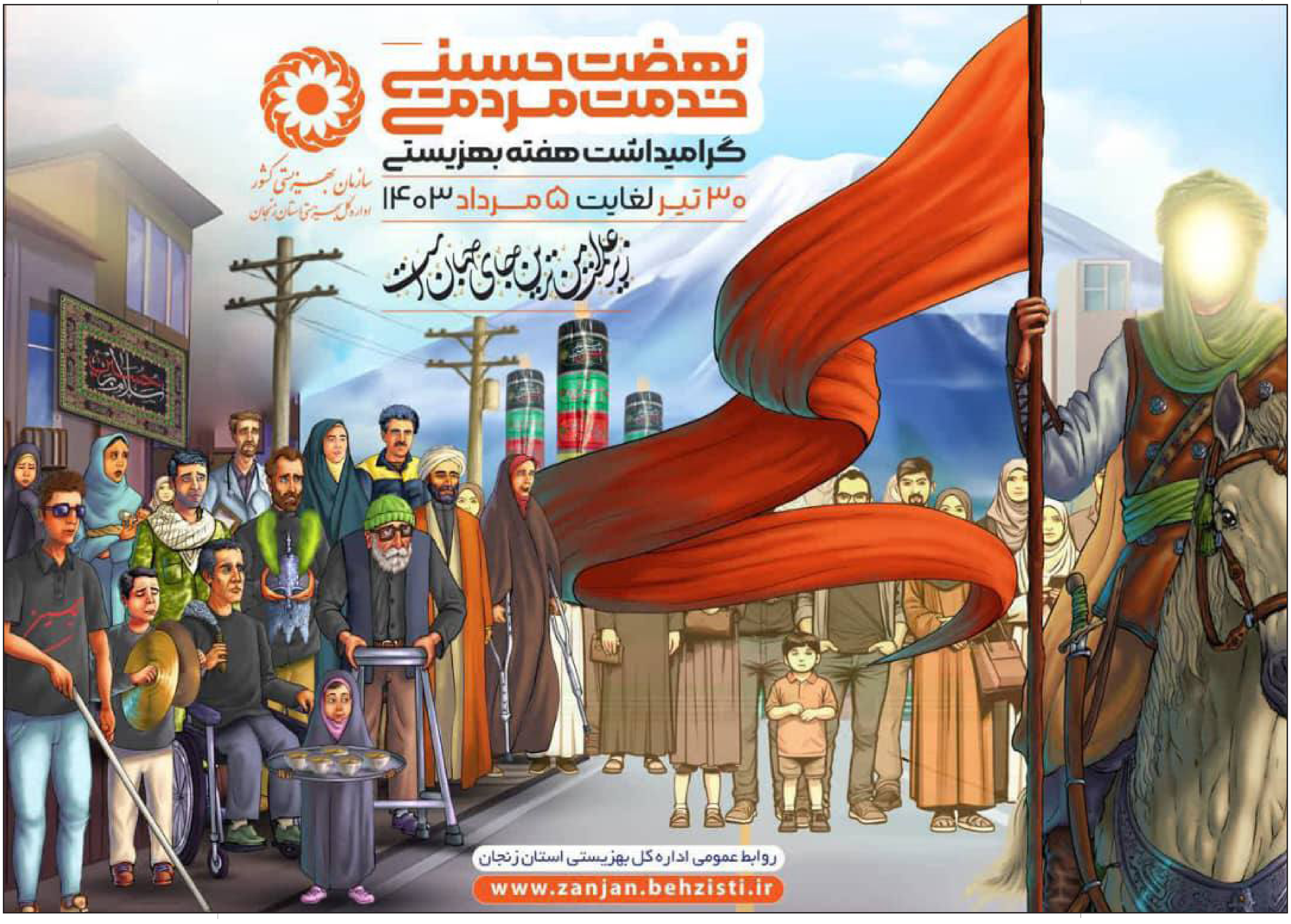
نهضت حسینی
خدمت مردمی
گرامیداشت هفته بهزیستی
۳۰ تیر لغایت ۵ مرداد ۱۴۰۳
سازمان بهزیستی کشور
اداره کل بهزیستی استان زنجان
روابط عمومی اداره کل بهزیستی استان زنجان
www.zanjan.behzisti.ir